

پیش فرضهای محمد شحرور در «الکتاب و القرآن»؛ بازشناسی، تحلیل و نقد



شیرین رجب‌زاده،^۱ عبدالحسین خسروپناه^۲

چکیده

هدف: هدف از نگارش این مقاله، بازشناسی، تحلیل و نقد پیش فرضهای خاص و شبهه‌انگیز محمد شحرور در مهم‌ترین اثرش الکتاب و القرآن بود. **روش:** روش تحقیق استفاده شده، توصیفی - تحلیلی بود. **یافته‌ها:** پیش فرضهای شحرور در سه حوزه قرآن‌شناختی، تجددمآبی و زبان‌شناسی قرار دارد که محقق آنها را تحت ۱۵ مؤلفه، شناسایی، تحلیل و نقد کرد. **نتیجه:** شحرور با دیدگاه قرآن‌شناختی خاص، تجددمآبی و بهره گرفتن از علوم جدید و فلسفه و همچنین بی‌اعتبار دانستن سنت نبوی، تفاسیر، فقه اولیه و تصوف؛ در صدد تطبیق و همخوان کردن متن قرآن با عصر کنونی بوده است و تلاش وی بیشتر تطبیق و تحمیل نظرات خود بر قرآن بوده است نه تفسیر قرآن.

واژگان کلیدی: نواندیشی دینی، محمد شحرور، پیش فرض، الکتاب و القرآن، بازشناسی و نقد.

❖ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

۱. دکترای الهیات و معارف اسلامی؛ استادیار گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۹۸۸-۱۴۶۶۵. تهران، ایران. (نویسنده مسئول). نشانی: تهران؛ خیابان ستارخان، خیابان شادمهر، خیابان شهید زینلیان، کوی خورشید، بن‌بست پروانه، پلاک ۱، طبقه ۱. کد پستی: ۱۴۵۶۷۵۷۹۹۹ / Dr.rajabzadeh402@cfu.ac.ir
۲. دکترای کلام اسلامی؛ استادتمام گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. khosropanahdezfuli@gmail.com

الف) مقدمه و بیان مسئله

«محمد شحرور» در مهم‌ترین اثرش «الکتاب و القرآن»^۱ با رویکرد نواندیشانه و با نگاه به شرایط اجتماعی و علمی عصر خویش و استعانت از روش تفسیر عصری، خوانشی جدید و استنباط‌هایی خاص از آیات قرآن دارد (خویر، ۲۰۱۴: ۳۷). باورها و خوانش خاص از نص قرآن و ارائه نظریات نامأنوس و متفاوت با نگاه سنتی وی، در جامعه مسلمین و اندیشمندان، شبهه‌آفرین و چالش‌برانگیز شده است. تبیین و نقد نظریات و دفع شبهات ایجاد شده، مستلزم انجام تحقیقات و نقد نظریات وی و ضرورت تحقیق به حساب می‌آید.

شحرور برای رسیدن به خوانش معاصر خویش و سازگاری نص قرآن با دنیای مدرن، از علوم طبیعی، فیزیک، آمار، ریاضیات، زبان‌شناسی و ارتباطات و اصول عامی همچون: توجه به بحث عینی و مادی، نگاه شمول‌گرایانه به دین، نیازمندی دین به خوانشی جدید و استفاده از علم زبان‌شناسی معاصر برای فهم آیات قرآن و توجه به مکاتب علمی جدید همچون: مارکسیسم، لیبرالیسم و سکولاریسم بهره می‌گیرد (جیلانی، ۱۴۲۷: ۱۱۷-۱۱۶، ۱۲۱)؛ همچنین بر اصول خاصی در فهم، همچون: توجه به فلسفه اسلامی معاصر، گریز از معارف اشرافی اهل عرفان و تکامل مستمر عقل و علم بشر، توجه خاص داشته، به ویژگی‌های زبان عربی، همچون انکار قاعده ترادف در زبان عربی، تلازم عقل و وحی و حقیقت و نسبیت فهم انسان در ارتباط با حقیقت، تکیه می‌کند (محمد سالم، ۱۴۲۹: ۱۴۷-۱۴۴). او با تقسیمات و تعاریف خاص از شریعت، تبیین نواندیشانه‌ای از آنها ارائه می‌دهد که عمدتاً بدیع و بی‌سابقه است. وی از تخصص مهندسی خود به عنوان ابزار کمک گرفته و در موضوعات قرآن‌شناختی، اصطلاحات و تعاریف جدیدی را ارائه داده است و به اصطلاح، بنای جدیدی را معماری می‌کند. روش «زبانی و لغوی» و روش «معرفتی»، دو ابزار مهم شحرور در سازگارسازی قرآن و دنیای جدید است. (کریمان، ۲۰۰۴: ۲۸۸)

با بررسی آثار شحرور در حوزه قرآن‌پژوهی، به‌ویژه «الکتاب و القرآن»، می‌توان به پیش‌فرضهایی که در شکل‌گیری نظریات او تأثیرگذار بوده، دست یافت. تأثیرپذیری از فرهنگ مدرن و متجدد، گرایش به نظریات خاص زبان‌شناسی و تفسیر عصری مهم‌ترین

۱. الکتاب و القرآن، مهم‌ترین و اصلی‌ترین اثر شحرور است که در سال ۱۹۹۰ م. به زبان عربی انتشار یافت و در سال ۲۰۱۱ م. با بازنگری و ویرایش جدید با عنوان «الکتاب و القرآن رؤیه جدید» به چاپ رسید. این کتاب تا کنون به زبان فارسی ترجمه نشده است.

2. Khoir
3. Christmann

عوامل ایجاد پیش‌فرضهای اوست. از این رو، محقق، پیش‌فرضهای شحرور را در سه حوزه قرآن‌شناختی، تجددمآبی و زبان‌شناسی، بازشناسی و توصیف و تحلیل و نقد کرده است. شحرور از یک‌سو از زبان‌شناسی به عنوان حلقه اتصال قرآن‌شناختی و تجددمآبی بهره گرفته و از سوی دیگر، روش زبان‌شناختی او که تاریخی- علمی با استفاده از قواعد خاص و شاذّ زبانی است؛ موجب شده که در حوزه تفسیر عصری، نظریات خاص و نامانوس ارائه دهد. پیشینه تحقیق نشانگر تألیف کتابها و مقالاتی در تبیین نظریات و دیدگاههای شحرور یا نقد آرای ایشان است که بیشتر به زبان عربی یا انگلیسی است؛ ولی در تحلیل و نقد آرای او به زبان فارسی، تعداد مقالات اندک و عمدتاً درباره موضوعات جزئی و خاص، مانند ارث، تعدد زوجات و مفهوم رجم (نبی‌احمدی، ۱۴۰۰) است و درباره شناسایی و معرفی پیش‌فرضهای شحرور و تحلیل و نقد آنها، تا کنون مقاله‌ای نگاشته نشده است. از آنجا که نظریات شحرور موجب بروز شبهات در مهم‌ترین منبع دین اسلام، یعنی قرآن شده است؛ محقق بر آن شد در گام نخست، پیش‌فرضها و مبانی فکری شحرور را از متن مهم‌ترین اثر وی شناسایی و استخراج کند و در گام دوم، آنها را به بوته نقد و تحلیل سپارد. این پژوهش با هدف پر کردن بخشی از خلأ تحقیقات در این زمینه با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، در صدد پاسخگویی به این پرسش اصلی است که: پیش‌فرضهای محمد شحرور در الکتاب و القرآن چیست و چگونه قابل نقد است؟

شحرور در کتاب فقه المرأة، به ۱۴ اصل حاکم بر تفکراتش اشاره می‌کند که آنها را اساس خوانش معاصر خود دانسته است (رک: شحرور، ۲۰۰۰: ۱۹۳-۱۸۹). این اصول به طور عمده با قرآن و زبان‌شناسی ارتباط دارند. برای دستیابی به خاستگاه و آبشخور نظریه‌های شحرور، باید پیش‌فرضهای او را از طریق واکاوی در مهم‌ترین اثرش (الکتاب و القرآن)، استخراج، بررسی و نقد کرد تا بتوان از این طریق، روشن ساخت که خاستگاه نظریه‌های وی چیست و بر چه اساسی مطرح شده‌اند. از این رو، مطالب این مقاله در دو بخش سامان یافته است. در بخش نخست، پس از معرفی شحرور و حیات علمی او، پیش‌فرضهای او با بررسی در الکتاب و القرآن، بازشناسی و توصیف و تبیین شده و در بخش دوم، پیش‌فرضهای او در سه حوزه قرآن‌شناختی، تجددمآبی و زبان‌شناسی، ذیل ۱۵ مؤلفه، تحلیل و نقد شده است. استحصال و طبقه‌بندی مطالب در چند دسته، موجب انسجام و ساختار منطقی شده است که می‌تواند بیانگر نوآوری مقاله باشد.

ب) حیات علمی و پیش‌فرضهای محمد شحرور

۱. مروری کوتاه بر حیات علمی شحرور

محمد بن دیب شحرور، یکی از نواندیشان دینی معاصر اهل سوریه است. او متولد سال ۱۹۳۸ م. و دارای مدرک دکترا در رشته مهندسی عمران- شهرسازی از دانشگاه دوبلین شوری، عضو هیئت علمی دانشگاه دمشق بود که در سال ۲۰۰۰ بازنشسته شد. وی علاوه بر انتشار آثاری مرتبط با رشته تحصیلی خود، تألیفاتی در حوزه قرآن پژوهی دارد (کریمان، ۲۰۰۴: ۲۶۵-۲۶۴؛ کلارک، ۱۹۹۷: ۱۷۰). مطالعات وی در حوزه علوم اسلامی، خودخوان و خودآموز است. انتشار «الکتاب والقرآن - قراءه معاصره» در سال ۱۹۹۰، مخالفت‌های بی‌شماری را در بر داشت و همین امر موجب شهرت ناگهانی او در سن ۵۲ سالگی شد (کریمان، ۲۰۰۴: ۲۶۶-۲۶۵). شحرور در تاریخ ۲۱/۱۲/۲۰۱۹ در شهر ابوظبی امارات فوت کرد و در مقبره خانوادگی خود در شهر دمشق به خاک سپرده شد.

۲. پیش‌فرضهای قرآن‌شناختی شحرور

شحرور مسلمان نواندیشی است که قرآن را با خوانشی خاص قبول دارد. وی در ابتدای مهم‌ترین اثرش، برای تبیین خوانش خود از نص قرآن می‌کوشد تا نشان دهد اموری که مسلمانان مسلم گرفته‌اند، چنین نیست (شحرور، ۲۰۱۷: ۳۲-۲۹). وی نسبت به نص قرآن باورهایی دارد که بیشتر آنها با نگاه سنتی متفاوت است.

رویکرد و خوانش خاص شحرور از قرآن متأثر از پیش‌فرضهای خاص اوست. پیش‌فرضهای شحرور در حوزه قرآن‌شناختی تحت پنج مؤلفه خاتمیت قرآن و رسالت محمدی، فهم‌پذیری و تفسیر عصری قرآن به قرآن، آشنایی‌زدایی از اصطلاحات قرآنی و انکار فهم سنتی، نسخ‌ناپذیری و تأویل‌پذیری قرآن و تاریخ‌مندی فهم قرآن و قرائت‌پذیری آن قابل دسته‌بندی است که در ادامه، هر یک از آنها توصیف و تبیین می‌شود.

یک) خاتمیت قرآن و رسالت محمدی

شحرور، قرآن را آخرین کتاب و پیامبر (ص) را خاتم رسولان دانسته که رسالتش برای همیشه و همه جا کاربرد دارد و عناصر رسالتش متغیر و پاسخگوی نیازهای هر عصری است (شحرور، ۲۰۱۷: ۴۸۲؛ همو، ۲۰۰۰: ۲۱، ۵۴؛ همو، ۱۹۹۰: ۴۴۶). به باور وی، برخی از وجوه خاتمیت و تکامل این رسالت که باعث علو آن شده، عبارتند از: وجود شعائری مضاف بر شعائر ادیان گذشته،

وجود خصوصیت «حنیفیه» و «استقامه»^۱ در آن و بسته بودن باب تحریم در این رسالت (همو، ۲۰۱۲: ۸۴ و ۸۵). تشریع وارد شده از سوی نبی (ص)، تشریع مرحله‌ای و نشانگر جایگاه رسول (ص) در اجتهاد است که ضمن رعایت حدود الهی و وضع حدود مرحله‌ای، منطبق با شرایط تاریخی آن عصر است (همو، ۲۰۱۷: ۵۳۰-۵۲۹). از نظر شحرور، رسالت محمدی سه ویژگی منحصر به فرد نسبت به سایر رسالتهای پیشین دارد: خاتمیت، جهان‌شمولی، رحمت و اسعه و گسترده؛ بدین معنا که عقوبات در شرایع گذشته سنگین‌تر بود و در شریعت محمدی تخفیف بیشتری یافته است (همو، ۲۰۱۴: ۱۱۱-۱۰۸). شحرور با تکیه بر آیه ۹ سوره حجر، ادعا می‌کند که چون قرآن با قدرت الهی حفظ می‌شود، به یک اندازه به نسلهای پیشین و بعدی تعلق دارد و مسلمانان معاصر برای تفسیر قرآن، از گذشتگان مجهز‌ترند (همو، ۲۰۱۷: ۴۴، ۵۴۱). اجتهاد، فهم روشمند دین است که به ما قدرت می‌دهد تا بتوانیم امور ثابت را از متغیر تفکیک کنیم (حسینی قائم‌مقامی، ۱۳۸۲: ۱۳۲). شحرور با این باور که قرآن برای تمامی اهل زمین است، نمی‌خواهد قرآن را از خلال سخنان ابن عباس و سایرین بفهمد. وی قائل است به اینکه ما حق داریم با علوم معاصر و تحلیلهای ریاضی و هندسی جدید به آیات قرآن رجوع کنیم و این نظریات را با آن مطابقت دهیم و فهم و قرائت معاصر داشته باشیم. وی قائل است که فهم نسبی او مربوط به قرن حاضر است و آیندگان حق دارند نظریه او را بپذیرند یا رد کنند. (فریق مرکز الحضاره، ۲۰۱۷: ۳۶-۳۵)

دو) فهم‌پذیری و تفسیر عصری قرآن به قرآن

به گفته شحرور، آنچه در کتاب منزل آمده، به اقتضای عقل قابل فهم است؛ جدایی میان زبان و فکر و تناقضی بین وحی و عقل وجود ندارد و فهم، تاریخی و نسبی است (شحرور، ۲۰۱۷: ۴۴-۴۶). از نگاه او، قرآن را باید بدون اسارت در فهم گذشته در بستر و زمینه عصر حاضر تفسیر کرد. از نظر او، مسلمانان به نظریه خوانش مجدد قرآن نیاز دارند تا معرفت اسلامی را عملی کنند. (کریسمان، ۲۰۰۴: ۲۶۸؛ خوسن، ۲۰۱۰: ۴۳۳)

شحرور تفسیر را تغییر معنای متن مبهم و ایجاد درکهای گوناگون از عبارت واحد دانسته و اجتهاد را فرایندی می‌داند که طی آن از زبان شرع، احکام فقهی متناسب با مکان و زمان خاص استنباط می‌شود؛ برای مثال، درباره حکم قطع دست دزد، او سعی کرده با قرائت خویش از آیات، آن را با مجازات دادگاههای امروزی منطبق سازد. (حلاق، ۱۳۸۶: ۳۴۷)

۱. «حنیفیه» به تغییر و تحول و «استقامه» به ثبات در دین اشاره دارد. از نظر شحرور، در اسلام امکان حرکت در ضمن حدود مستقیم وجود دارد و این ویژگی دال بر صلاحیت همیشگی اسلام است. (شحرور، ۲۰۱۷: ۴۸۹-۴۸۶)

شحرور تأکید بر تفسیر موضوعی و عصری دارد. وی با استناد به اصل ماده «رَتَ لَ» (انسجام و نظم)، بر آن است که «ترتیل» در آیه «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِلاً» (مزمّل: ۴) به معنای پی‌درپی و نیکو خواندن نیست؛ چون با آیه بعد: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» ارتباط معنایی ندارد. بلکه مقصود ترتیب و نظم موضوعات وارده در آیات است؛ یعنی آیات مختلف پیرامون موضوع واحد، در یک طرح و چینش واحد، مرتب و منظم می‌شود تا فهم آیات حاصل شود. (شحرور، ۲۰۱۷: ۲۶)

شحرور برای فهم قرآن و تأیید و اثبات نظریات خود، با روش تفسیری قرآن به قرآن به آیات قرآن رجوع و برای تبیین مفهوم واژگان، به کاربردهای قرآنی آنها توجه می‌کند (شدی، ۱۴۳۱: ۲۶۶). او فواصل آیات قرآن را «مواقع نجوم» (واقعہ: ۷۵) می‌نامد که توقیفی بوده و در فهم، تأویل و اجتهاد آیات، نقش بسیار مهمی دارند. وی عبارت موجود در میان «مواقع نجوم» (فواصل) را آیه می‌نامد (شحرور، ۲۰۱۷: ۲۱۶، ۲۲۶). چنین معنایی از واژه «نجوم» از ابن عباس، عکرمه و مجاهد نیز نقل شده که آنان نیز «نجوم» را فواصل آیات دانسته‌اند. (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۹۲)

سه) آشنایی‌زدایی از اصطلاحات قرآنی و انکار فهم سنتی

اصطلاح «آشنایی‌زدایی»^۱ برای توصیف رهیافت قرآنی شحرور مناسب است. در فرایند «آشنایی‌زدایی»، عناصر آشنا و مألوف به ناآشنا بدل شده و قواعد مصطلح گذشته از میان می‌رود. شحرور از خواننده خود می‌خواهد ذهنش را از تفاسیر گذشته پاک کند و قرآن را همانند صحابه، در پرتو توانایی فکری و سطح علمی خود درک کند. شحرور دیدگاههای سنتی درباره قرآن را «مسکّات مشکوک موروثی» می‌داند و می‌خواهد نشان دهد که خلاف تأملات «خوگرفته شده» درست است؛ ولی این الگو برای عالمان دین قابل هضم نیست (کریسمان، ۲۰۰۴: ۲۶۴-۲۶۹؛ کلارک، ۱۹۹۷: ۱۷۱). وی برای آشنایی با اصطلاحات خاص خویش، کتاب «دلیل القراءة المعاصرة للتنزيل الحكيم: المنهج والمصطلحات» را نوشت که به نوعی دائره‌المعارف اصطلاحات خاص قرآنی اوست تا نشان دهد تعریف او از این اصطلاحات، متفاوت با نظر رایج است.

شحرور لفظ «الکتاب» را مجموع موضوعاتی می‌داند که نصّ و محتوای آن به محمد (ص) وحی شده (شحرور، ۲۰۱۷: ۵۶) و او هم «رسول» و هم «نبی» است و «الکتاب» حاوی دو موضوع «رسالت» و «نبوت» محمد (ص) است. کتاب «نبوت»؛ شامل حقیقت وجود عینی،

معلومات هستی و تاریخی و بیانگر حق و باطل است. و کتاب «رسالت»؛ شامل قواعد رفتار انسانی، حلال و حرام و بایدها و نبایدها است (همان: ۵۷). شحرور با استناد به آیه ۷ سورة آل عمران تقسیم‌بندی ثلاثی متفاوتی نسبت به پیشینیان از آیات «الكتاب» ارائه می‌دهد: آیات محکم (أم الكتاب)، آیات متشابه (السبع المثانی و القرآن)، آیات نه محکم و نه متشابه (تفصیل الكتاب) (همان: ۵۹-۵۷). وی بر پایه این تقسیم‌بندی سایر نظریات خود درباره نزول، اعجاز و تأویل قرآن را بنا می‌کند.

شحرور با تکیه بر تقسیم‌بندی خود از آیات قرآن، قائل به تمایز و عدم مترادف دو واژه «انزال» و «تنزیل» است و با بهره‌گیری از علم زبان‌شناسی، تفاوت این دو صورت فعلی را تبیین کرده (کریمان، ۲۰۰۴: ۲۷۷) و بر اساس این پیش‌فرض، برای هر بخش از قرآن، نزول خاصی قائل است.

از نظر وی، معجزه محمد (ص)، نبوت او؛ یعنی «القرآن» است که قابل تأویل است (کریمان، ۲۰۰۴: ۲۸۳). ساختار این معجزه به صورت کتاب است؛ زیرا محمد (ص)، خاتم انبیاست و باید معجزه او باقی بماند. معجزه او از نظر محتوایی، نسبت فهم، ساختار زبانی و صوتی، با سایر معجزات متفاوت است. (شحرور، ۲۰۱۷: ۲۰۷-۲۰۵)

چهار) نسخ‌ناپذیری و تأویل‌پذیری قرآن

از نظر شحرور، رسالت محمد (ص) دارای دو صفت «حنیفه» و «استقامه» است که خاصیت شمولیت و انطباق با هر جامعه‌ای را دارد و از سایر رسالتها متمایز است. در چنین رسالتی، امکان وقوع نسخ نیست؛ زیرا بر خلاف حکمت و علم الهی است، در حالی که فقها به دلیل عجز از حل تناقض میان برخی از آیات، به ویژه آیات محکم، به نظریه نسخ آیات روی آوردند. این نسخ به دلیل تفکیک نکردن و التباس آیات «أم الكتاب» با «القرآن» رخ داده که به ظلمی بزرگ و تضییع در حق رسالت محمد (ص) منتهی شده است. (همان: ۴۹۱-۴۹۰)

شحرور تنها بخش «القرآن» را قابل تأویل می‌داند که تأویل آن در حال تغییر و تکامل متناسب با هر عصری است (همان: ۲۲۰). درک شحرور از تأویل، به معنای تفسیر مجازی و واگذاشتن ظاهر نیست، بلکه کوششی پایدار به منظور هماهنگ کردن ماهیت مطلق آیات با فهم نسبی خواننده است. این هماهنگی با حرکت محتوا، منطبق با دانش متغیر و پیش‌رونده پدید می‌آید که متناسب با دستاوردهای هر دوره (سطح معرفتی) است. (کریمان، ۲۰۰۴: ۲۸۴؛ خوسن، ۲۰۱۰: ۴۳۹)

پنج) تاریخ‌مندی فهم قرآن و قرائت‌پذیری آن

اعتقاد یا بی‌اعتقادی به تأثیرپذیری نص قرآن از فرهنگ عصر نزول، مسئله مورد اختلاف در میان نواندیشان است. برخی همچون نصر حامد ابوزید، قائل به تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ عصر نزول می‌باشند و قرآن را محصولی فرهنگی می‌دانند که در طول ۲۳ سال در واقعیت و فرهنگ زمان نزول شکل گرفته است (ابوزید، ۱۳۸۹: ۶۸). شحرور با نظری متفاوت به انفکاک ارتباط بین قرآن و فرهنگ زمانه و موارث دینی ادیان^۱ و متون عربی زمان نزول و تصحیح و پاک‌سازی فضای نزول از داده‌های تاریخی همت گماشته است. از نظر او، فهم قرآن نیازمند قطع ارتباط نص و واقع است؛ زیرا طبیعت قرآن با طبیعت فرهنگی و ادبی جامعه عصر نزول متفاوت است. خطاب وحی، معارض با تفکر شایع در آن عصر بوده و برای انتقاد از ترکیب طبقات اجتماعی، تمرکز سلطه و قدرت در قبایل و بیان ضرورت تصحیح تحریفات اهل کتاب است. (شحرور، ۲۰۱۰: ۴۸-۴۷)

۳. پیش‌فرضهای تجددمآبی شحرور

یکی از خاستگاههای اندیشه و نظریات شحرور به عنوان نواندیش معاصر، شیفتگی وی در علوم جدید، مهندسی و مسائل مربوط به تجدد است. او در جدال یک پارادوکس فکری، از طرفی می‌خواهد قرآن را حفظ کند و از طرفی نمی‌تواند به یافته‌های علوم جدید بی‌توجه باشد؛ لذا به دنبال همخوان کردن قرآن با تجدد از طریق تفسیر عصری و همخوان‌سازی صورتهای اجرایی احکام، متناسب با فرهنگ معاصر است. مهم‌ترین مؤلفه‌های حوزه تجددمآبی وی تحت سه مؤلفه شیفتگی در علوم جدید و مهندسی، اعتبارزدایی از سنت نبوی، اعتبارزدایی از تفسیر، فقه و تصوف پیشینیان؛ قابل‌دسته‌بندی است که هر یک از آنها توصیف و تبیین می‌شود.

یک) شیفتگی در علوم جدید و مهندسی

از نظر شحرور، فهم قرآن تنها با کمک علوم و معارف عصری حاصل می‌شود؛ به همین دلیل باید آیات قرآن را با علوم روز تطبیق داد (شحرور، ۲۰۱۰: ۲۴۲). او برای فهم قرآن از علوم جدید، همچون علوم زیستی و تجربی؛ علوم انسانی جدید مانند زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، معناشناسی، هرمنوتیک، مکاتب جامعه‌شناسی، زمین‌شناسی، باستان‌شناسی، ریاضیات، آمار و هندسه بهره می‌برد (همو، ۲۰۱۷: ۴۴-۴۳). برای مثال، از علوم ریاضی در نظریه حدود و سهم

۱. در زمینه نظر شحرور و دلایل او درباره ارتباط نداشتن قرآن و کتاب مقدس رجوع کنید به: شحرور، ۲۰۱۰: ۸۳-۵۷.

ارث زن (همان، ۵۳۵-۵۲۴؛ همو، ۲۰۰۰: ۲۸۷-۲۸۳) و در مباحث خلقت انسان از علوم زیست‌شناسی و نظریه داروین استفاده می‌کند. (همو، ۲۰۱۷: ۳۱۷-۳۱۲)

دو) اعتبارزدایی از سنت نبوی

شحرور بر خلاف نظر اغلب علما، امکان اتخاذ تشریع از احادیث را نفی کرده و می‌گوید باید شرایط زمانی و مکانی را در نظر گرفت (همان: ۴۶، ۲۳۷). وی دو ویژگی عصمت تکوینی و علم به غیب پیامبر (ص) را با ارائه دلایلی نقد می‌کند. (همو، ۲۰۱۲: ۲۹)

شحرور سه مقام برای پیامبر (ص) قائل است و برای هر مقام، گستره‌ای متفاوت در اطاعت در نظر می‌گیرد. این سه مقام عبارتند از: مقام فردی (رجل)، مقام نبوت و مقام رسالت. تمام امور شخصی زندگی پیامبر (ص)، اعم از غذا خوردن، لباس پوشیدن، راه رفتن و... مرتبط با مقام اول یاد شده است. به سبب تفاوت محیط زندگی در هر دوره، اسوه و مقتدا بودن پیامبر (ص) در امور روزمره زندگی منتفی است. از امور مرتبط با مقام دوم پیامبر (ص)؛ اجتهاد در حکومتداری، فرماندهی نظامی در جنگ، تنظیم امور اجتماع و جامعه و قضاوت برای عبرت‌گیری است. به همین سبب، بخش زیادی از روایات از کارکرد خود خارج می‌شوند. لازمه تشریح یا ابلاغ رسالت الهی (مقام سوم)، اطاعت متصل و مستمر در همه زمانهاست. این مقام، مشتمل بر روایات اندکی است که ارتباطی تام و مستقیم با شعائر، ارزشهای انسانی و حدود دارد. (همان: ۶۵-۶۳، ۱۰۸-۱۰۲)

از نظر شحرور، سنت به معنای حرکت و پابندی به روش و الگوی واحد و معینی است. این روش و الگو در شکل زندگی، اعمال و دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. قرآن به تثبیت هیچ سنتی اشاره نکرده، بلکه به دگرگونی و تعدد آنها اشاره کرده است (نساء: ۲۶؛ انفال: ۳۸؛ حجر: ۱۳). (همان: ۹۳)

شحرور با قرائت جدیدی سنت را به دو بخش «سنت نبوی» و «سنت رسولی» تقسیم می‌کند. «سنت نبوی» مشتمل بر قصص محمدی (سیره نبوی که جنبه تاریخی دارد) و اجتهادات نبی (ص) در مقام «ولی امر» و «رهبر اجتماع» است و «سنت رسولی» مشتمل بر شعائر، حدود، اخلاق و امر به معروف و نهی از منکر است. اطاعت از سنت بر دو نوع است: «اطاعت متصل» و «اطاعت منفصل». در «اطاعت متصل»، لفظ «اطاعت» برای خدا و رسول (ص) توأم آمده است: «أطيعوا الله و الرسول» (آل عمران: ۱۳۲). این اطاعت هم در زمان حیات پیامبر (ص) و هم پس از رحلت ایشان واجب است و تخطی از آن ممنوع است و منحصر در حدود، عبادات و اخلاق است. در «اطاعت منفصل»، لفظ «اطاعت» یک مرتبه

برای خدا و یک مرتبه برای پیامبر (ص) آمده است: «أطيعوا الله و أطيعوا الرسول» (نساء: ۵۹). این گونه اطاعت، تنها در زمان حیات پیامبر (ص) واجب است و به عصر بعد از ایشان مرتبط نیست. امور روزانه، احکام مرحله‌ای زیستی، اجتهادات سیاسی و شیوه خوراک و پوشاک از این قسم‌اند. بنابر این، می‌توان گفت که سنت رسولی، ثابت و سنت نبوی بر اساس تحولات و گذر زمان، متغیر است و مبتنی بر اجتهادات نبی (ص) است. (شحرور، ۲۰۱۷: ۵۵۲-۵۴۹؛ همو، ۲۰۱۲: ۹۹، ۱۱۰-۱۱۱)

سنت از نگاه شحرور، عبارت از قول، فعل و تقریر نیست؛ بلکه چیزی است که تغییر و تحول بر آن منطبق می‌شود؛ زیرا مهم‌ترین صفت سنت، «تسُّهُ» (تغییر و دگرگونی) است، بر خلاف سنت الهی که غیر قابل تغییر و تبدیل است (إسراء: ۷۷). بنابر این، سنتها بر حسب شرایط جوامع و پیشرفت زمان و حوادث تاریخی تغییر می‌کنند (شحرور، ۲۰۱۲: ۹۴-۹۳). از نظر او، سنت، شارح قرآن نیست؛ زیرا تنها ۱۵ درصد آیات از سوی پیامبر (ص) شرح شده و سوره‌هایی وجود دارد که پیامبر (ص) درباره آنها سخنی بیان نکرده است (همو، ۲۰۱۰: ۲۰۱). به همین سبب، در موارد اندکی هر جا روایتی مؤید سخنان و دیدگاههایش باشد، آن را در کتاب خویش می‌آورد. شحرور در کتاب خود به هر حدیثی به دیده شک می‌نگرد و اغلب هرگاه حدیثی ذکر می‌کند، تعبیر «إن صحَّ» را به کار می‌برد.

سه) اعتبارزدایی از تفسیر، فقه و تصوف پیشینیان

شحرور تفاسیر و فقه پیشینیان را برای انسان امروزی که شاهد تحولات لحظه‌ای است، شایسته نمی‌داند. از نگاه او، اگر اسلام شایسته برای تمامی زمانها و مکانهاست، ضروری است که خواننده در فهم آن بر سطح معرفت عصر حاضر تکیه کند و از عملکرد نسلهای گذشته در کتب تفاسیر و فقه غافل نباشد، ولی آنان را مقدس نداند. (همو، ۲۰۱۷: ۴۶-۴۴)

او فهم سلف را تنها در آیات محکم قابل پیروی دانسته و در سایر آیات، تبعیت را مذموم می‌داند (همان: ۹۷). از نگاه او با پیشرفت علمی میزان امکان تفسیر نص قرآن افزایش می‌یابد (نوح، ۱۹۹۴: ۲۰۲)، در حالی که دیدگاههای تفسیری در طول ۱۴ قرن ثابت باقی مانده است. از نظر شحرور، تفاوتی بین تفاسیر گذشته نیست، بلکه سدّی در برابر ارائه تفسیر جدید است. همچنین میان اقوال تفسیری و علم، تعارض جدّی وجود دارد و با این روش، توفیقی حاصل نمی‌شود. (شحرور، ۲۰۱۰: ۲۳۸-۲۳۷)

از نگاه شحرور، توسعه دانش بشری، شرایط زندگی معاصر، باور به جهانی بودن قرآن و وجود نظریه تغییر احکام با تغییر زمان، همگی منجر به ارائه خوانشی جدید از قرآن، سنت و

پیش‌فرضهای محمد شحرور در «الكتاب و القرآن»... ۴۳

فقه است (همو، ۲۰۰۰: ۱۱۸-۱۱۵). شحرور به دو دلیل، شایستگی تفاسیر و فقه گذشته را رد می‌کند: نخست، به سبب تغییرات بنیادین اجتماعی، فنی، اقتصادی و سیاسی به وجود آمده و دوم، به سبب انتقال قانونگذاری از قلمرو فقه‌های سنتی به دولت و تدوین قوانین و پدیداری جهان‌بینی جدید حقوقی. (حلاق، ۱۳۸۶: ۳۶۳-۳۶۲)

از نظر شحرور، انحصار در آثار سلف، نوعی استبداد فکری است و باید میان وحی به پیامبر (ص) و آنچه با عنوان فقه و تفسیر با این وحی آغشته شده است، تمایز قائل شد (یافی، ۱۹۹۶: ۱۵۱). طبیعت اسلام تحت سلطه فقه محافظه‌کارانه و غرق در قوانین و دور از اندیشه قرار گرفت و فقها همواره نگران این بودند که چه چیزی مجاز است و چه چیزی مجاز نیست. در واقع؛ شحرور به دنبال یک فقه جدید است، نه اسلام جدید (کلارک، ۱۹۹۷: ۱۷۳). بخشی از الكتاب و القرآن شحرور به بیان بحران کنونی فقه و طرح راهکار اختصاص یافته و کتاب مستقلى با نام نحو اصول جدیدة للفقہ الإسلامی نگاشته است. از نظر او، اصول اسلام منعطف و معتدل است (شحرور، ۲۰۰۰: ۳۴۸) و فقه باید پویا باشد و مقید به مذهب خاصی نباشد. (همو، ۲۰۱۷: ۲۰۷-۲۰۸)

شحرور با راه و روش متصوفه که نظریات فلسفی و حقایق علمی را انکار می‌کنند، مخالف است و قائل است که ظواهر قرآن، حجت بوده و بر بطون و تأویل آن اقدم است. از نظر او، علمای حقیقی کسانی‌اند که باعث پیشرفت علوم و تکنولوژی می‌شوند، نه مانند متصوفه که با ذکر گفتن به دنبال مکاشفه‌اند. (همان: ۲۰۷-۲۰۶)

۴. پیش‌فرضهای زبان‌شناسی شحرور

شحرور برای دستیابی به خوانش معاصر خود از نصّ و عصری کردن آن، از ابزار زبان‌شناسی بهره می‌گیرد تا قرآن را با دنیای جدید سازگار کند. در واقع؛ زبان‌شناسی حلقه اتصال دیدگاه قرآن‌شناختی و تجددمآبی شحرور است. روش زبانی شحرور، روشی «تاریخی-علمی» است که در پرتو مطالعات زبانی مدرن مطرح شده است. اساس این روش از مدرسه ابوعلى فارسی اتخاذ شده (همان: ۲۰-۱۹) که خطوط کلی آن عبارت است از اینکه زبان، یک نظامواره و پدیده اجتماعی است و میان زبان و فکر، تلازم وجود دارد. (همان: ۲۲)

مهم‌ترین پیش‌فرضهای شحرور در حوزه زبان‌شناسی، تحت هفت مؤلفه عدم مترادف الفاظ، رابطه هم‌نشینی و جانشینی واژگان در کلام، عطف نسق در تفکیک معطوفها، استعمال تعریف و تنکیر واژگان، کارکرد ادات، تخصیص و تعمیم خطابه‌های قرآن و استناد به قرائات شاذ و معانی غریب واژگان؛ قابل دسته‌بندی است که هر یک از آنها توصیف و تبیین می‌شود.

یک) عدم ترادف الفاظ

شحرور، وجود پدیده ترادف در زبان را انکار می‌کند و قائل است به اینکه هر واژه‌ای بر معنای معین و مخالف با مدلول لفظ مشابه دلالت دارد؛ برای مثال، «نبی» غیر از «رسول» و «القرآن» غیر از «الکتاب» و «الذکر» و «الفرقان» است. وی به معجم مقاییس اللغة ابن فارس به عنوان مرجعی مهم تکیه دارد و برای تعیین معانی الفاظ به آن استناد می‌کند. (همان: ۲۵-۲۳)

قاعده عدم ترادف، تأثیرگذارترین قاعده علمی بر نظریات شحرور و روش فهم او از آیات و تقسیم‌بندی وی از مجموعه آیات است. از نظر او، وجود ترادف در شعر، حُسن است؛ ولی قرآن از این ویژگی خالی است. قرآن در دوره تاریخی‌ای تفسیر شده که صناعت شعر در اوج بود؛ لذا مفسران از اوصاف آن در تفسیر خود تأثیر گرفته و تفسیر خود را بر پایه ترادف بنا کرده‌اند؛ حال آنکه خداوند تأکید دارد که با قرآن همچون شعر معامله نکنیم (یس: ۶۹) (خلیفی، ۲۰۱۵: ۳۷-۳۶). با توجه به این گفته، نباید وابسته بودن متن به زمینه را بپذیریم و قرآن، متنی بدون زمینه و مستقل از تاریخ عصر نزول است. (خویر، ۲۰۱۴: ۳۴)

دو) رابطه هم‌نشینی و جانشینی واژگان در کلام

از مباحث مورد توجه در دانش معناشناسی، روابط «هم‌نشینی» و «جانشینی» است که به ترکیب واژگان در کلام مربوط می‌شود. «محور هم‌نشینی (مجاورت)، همان محور افقی کلام است که اجزای آن در کنار هم قرار می‌گیرند و عبارت به صورت خطی یا افقی بررسی می‌شود و به دامنه معنایی می‌افزاید. ولی در محور جانشینی (مشابهت)، عبارت به صورت عمودی در نظر گرفته می‌شود؛ به گونه‌ای که اگر یک واژه در عبارت قرار گیرد، واژگان مرتبط با آن نمی‌توانند در کنار آن واقع شوند و باعث چندمعنایی می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳)

شحرور علاوه بر انکار ترادف در نص، تنها معنای واحد را که مبدع اول اراده کرده، نمی‌پذیرد و برای نص، این را شایسته می‌داند که دارای دلالت‌ها و مفاهیم متعدد باشد. از اینجا صلاحیت و اعجاز قرآن برای تمامی اعصار روشن می‌شود (یافی، ۱۹۹۶: ۱۴۹). چگونگی چینش واژگان، مضاف شدن واژه به واژه‌ای دیگر یا صفت و موصوف بودن واژگان و کنار هم قرار گرفتن واژگان (هم‌نشینی)، تأثیر مهمی در فهم مراد آیات دارد که شحرور بدان توجه کرده است.

سه) عطف نسق در تفکیک معطوفها

در نگاه شحرور، عطف نسق تنها عطف متغایرهاست و فقط دو امر متباین و متغایر به یکدیگر عطف می‌شوند. برای نمونه، در آیه ۱۸۵ سوره بقره، واژه «الفرقان» و «القرآن» که به یکدیگر

عطف شده‌اند، نشانگر مغایر بودن آنهاست؛ یا در آیه نخست سوره حجر، واژه «الكتاب» به «القرآن» عطف شده است که بیانگر متغایر بودن آنهاست. (شحرور، ۲۰۱۷: ۶۰-۵۹، ۶۷)

چهار) استعمال تعریف و تنکیر واژگان

تعریف و تنکیر در روش فهم شحرور، نمود گسترده‌ای دارد. در مواردی که واژه‌ای یک جا به صورت نکره و جای دیگر به صورت معرفه به کار رفته، از نظر شحرور ماهیتی متفاوت دارد. توجه به این امر در نگاه شحرور، کم اهمیت‌تر از عدم ترادف و قاعده عطف نیست. برای نمونه، واژه «كتاب» در ابتدای سوره بقره با «ال» تعریف آمده (الكتاب) که از نگاه شحرور، بیانگر آن است که مصحف، خود کتابی است که شامل مجموعه‌ای از کُتب بوده و نکره بودن برخی از کاربردهای «كتاب»، متناظر به کل مصحف نیست؛ بلکه تنها جزیی از آیات مصحف است.

پنج) کارکرد ادات

شحرور به کارکرد و تأثیر ادات در معنا و مفهوم آیات توجه دارد؛ زیرا هر کدام از ادات می‌توانند معنایی متفاوت در آیات ایجاد کنند، به ویژه اداتی که معانی متعدد دارند و اتخاذ هر یک از معانی آنها می‌تواند مفهوم و مراد آیه را تغییر دهد. وی به اداتی که مفهوم زمانی دارند توجه بیشتری دارد؛ همچون «إذا» و «ثم» در آیات خلقت که زمان خلقت، فاصله مراحل میان خلقت انسان و مراحل تکامل آن را بیان می‌کند. (همان: ۲۸۱)

شش) تخصیص و تعمیم خطابهای قرآن

خطابهای قرآنی از قواعد زبانی است که شحرور به آنها توجه داشته است. از نظر او، آیاتی که در آنها پیامبر (ص) با «یا ایُّهَا النَّبِیُّ» خطاب شده است، ناشی از مقام نبوت بوده و از مقام رسالت نیست. این آیات شامل تعالیم خاص نبی (ص) و مرحله‌ای است. تعالیم مرحله‌ای به برهه‌ای خاص اختصاص دارند؛ مانند توزیع غنایم. این تعالیم حدود یا تشریعات عینی نیستند و به حلال و حرام مرتبط نمی‌شوند و تقید به آنها برای مردم، مصلحت به همراه دارد؛ بدون آنکه در آن ثواب و عقابی باشد (شحرور، ۱۹۹۰: ۵۳۲-۵۳۱). این خطابها به شرایط عرف اجتماعی هر عصری ارتباط دارد و متغیر است. امروزه عرف اجتماعی تغییر کرده و این آیات، چه تعلیمات عامه که برای جامعه و متناسب با ظروف و شرایط عینی آن زمان بوده و چه تعلیمات خاصه پیامبر (ص)، به عنوان آیات قصص معتبرند و صفت تاریخی دارند و ابدی نیستند؛ زیرا عرف اجتماعی متناسب با زمان و مکان متغیر است و در عصر نبی (ص) بر آنها اهتمام می‌شد

و نسبت به عصر کنونی از قصص محمدی است و تنها می‌توان از آنها عبرت گرفت. (همو، ۲۰۱۷: ۶۰۴)

هفت) استناد به قرائات شاذ و معانی غریب واژگان

شحرور چون متخصص در علم واژه‌شناسی نیست، به نقل اقوال دیگران و تقلید از آنان بسنده می‌کند و تنها از چند فرهنگ لغت خاص، به ویژه «معجم مقاییس اللغة» ابن فارس بهره می‌گیرد؛ زیرا در آن، وجود مترادف در لغات نفی شده است.

شحرور در برخی موارد برای تطبیق آیه با نظر خویش، با ماده و ریشه لغات بازی می‌کند و معانی شاذ و نادر و غریب واژه را انتخاب یا از جانب خود طرح می‌کند. برای مثال، ریشه کلمه «سنت» را که از «سَنَنَ» است، رها کرده و از «سَنَه» که تغییر را می‌رساند استفاده کرده است (عبدوش، ۲۰۱۷: ۹۰). در سوره قدر، واژه «شهر» را از اشتها، به معنای شهرت می‌داند؛ بنابر این، «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» یعنی شهرت «القرآن» از هزار شهرت دیگر بهتر است و مراد از «ألف شهر» هزار ماه (در مجموع ۸۳ سال) نیست، بلکه «ألف» به معنای تألیف است که در این معنا، «ألف شهر» یعنی تألیف و جمع اوامر صادره از خداوند. در این صورت معنای آیه چنین می‌شود که امر تألیف شهرت «القرآن» از سایر امور بهتر است. همچنین واژه «فجر» در آخرین آیه این سوره را «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»، زمان وقوع نفخه اول می‌داند و بر آن است که «تنزیل» امور حکیم پایان نمی‌یابد و تا برپایی قیامت باقی است و به این دلیل، در این شب، مردم به عبادت و تضرع می‌پردازند و این موسم هر سال تا زمان رخداد انفجار تکوینی، تجدید می‌شود و اینکه مراد از «فجر»، فجر خورشید باشد، برداشت بسیار ساده‌ای است (شحرور، ۲۰۱۷: ۲۳۶-۲۳۳). در این نمونه‌ها، شحرور برای رسیدن به تأویل یا وجود خارجی (مصادقی)، معنایی از کلمه را ترجیح می‌دهد که نزد لغت‌دانان، معنایی ضعیف است؛ ولی از نظر او برای رسیدن به «مصدق» این عملکرد اشکالی ندارد. (فریق مرکز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي، ۲۰۱۷: ۳۹)

ج) نقد و تحلیل پیش‌فرضهای شحرور

در این بخش، ابتدا به مهم‌ترین نقاط قوت اثر محمد شحرور اشاره شده، سپس پیش‌فرضهای او در سه حوزه قرآن‌شناختی، تجددمآبی و زبان‌شناسی، نقد و تحلیل می‌شود.

۱. مهم‌ترین نقاط قوت «الكتاب والقرآن» شحرور

آشنایی محمد شحرور با فرهنگ اسلامی و عربی، شناخت وی از فلسفه و تفکر غرب، کوشش و شجاعت او برای ارائه نظریات جدید و نوآورانه و توجه به علوم جدید، از قبیل

زبان‌شناسی و هرمنوتیک، از نقاط قوت نظریات وی به شمار می‌آید. همین امر، تحسین نواندیشانی مانند محمد ارکون (۲۰۱۰-۱۹۲۸)، محمد عماره (۲۰۲۰-۱۹۳۱)، صادق العظم (۲۰۱۶-۱۹۳۴)، قابوس بن سعید (۲۰۲۰-۱۹۴۰)، وائل بن حلاق (۱۹۵۵)، شکیب حلاق (۱۹۶۶)^۱ و... را برانگیخته است و در مواردی، تحت تأثیر آرای او، کتابهایی نیز منتشر شده است؛ از جمله: «نحو الاسلام الحق» از محمد عماره، «مدخل إلى فکر محمد شحرور» اثر مارتین لوتر و «الإسلام» از شکیب حلاق. نظریات وی در بین نواندیشان و پژوهشگران به حدی مورد توجه قرار گرفته که شکیب حلاق، او را به مارتین لوتر اسلام تشبیه کرده است. (رایتر،^۲ ۲۰۰۰: ۷۳)

۲. نقد و تحلیل پیش‌فرضهای قرآن‌شناختی شحرور

استنباط شحرور از خاتمیت قرآن و رسالت محمدی و شایستگی قرآن برای تمامی زمانها و مکانها، به معنای انکار مصادر شریعت درست نیست؛ زیرا با انکار سنت، اجماع صحابه، علمای متقدم و عدم التزام به آنها، در فهم مراد الهی با مشکل روبه‌رو خواهد شد. در واقع؛ شحرور تلاش کرده از طریق مخالفت با رأی غالب، نظرات خود را جدید (قراءه معاصره) معرفی کند؛ در حالی که چنین مخالفتی دلیل بر نظرات جدید نیست و نمی‌توان هر فهمی را بر نصّ بار کرد.

شحرور در بیان تفسیر بسیاری از آیات، تنها بر عقل خود تکیه کرده و سنت را اجتهاد پیامبر (ص) دانسته، نه وحی و آن را منبعی مستقل برای فهم نصّ قلمداد نمی‌کند؛ در حالی که از دیدگاه قرآن، سنت تبیین وحی و وظیفه پیامبر (ص) است: «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۱۶). شحرور تأکید دارد که معنی یک مفهوم بر اساس سطح معرفت هر عصر، همواره در حال اصلاح و تغییر است و نباید بر فهم تراش باقی ماند؛ در حالی که اگر تأویلات و فهم دین، متغیر و نقیض و بی‌ثبات باشد، روش و قواعد فهم ثابتی نخواهیم داشت. تغییر در دین مطابق با فطرت، مستلزم عدم ثبات فطرت آدمی است که بر خلاف آیات قرآن است (روم: ۳۰) و دعوت به قرائت جدید از دین، موجب از بین رفتن اعتماد به منابع دینی، الغای عمل به قرآن، الغای فهم صحیح دین است. از آنجا که یکی از عوامل مؤثر برای کشف مراد مؤلف یا گوینده، توجه به شأن نزول و درک زمینه و زمانه و

۱. درباره آرای نواندیشان موافق شحرور، رک: ارکون، ۱۳۹۲، ج ۳: ۱۸۸؛ محمد، ۱۴۱۶: ۵-۶؛ قاسم، ۲۰۱۰: ۱۱۸-۱۱۱؛ ایکلمن، ۱۹۹۳: ۱۶۳؛ حلاق، ۱۳۸۶: ۳۵۶-۳۵۵؛ رایتر، ۲۰۰۰: ۷۴-۷۳.

۲. Rainer

مخاطبان همان عصر است که کلام گوینده را به درستی فهم کرده‌اند، لذا نظریه قرائت‌پذیری قرآن قابل دفاع نیست.

شحرور با شعار «نوسازی و امروزی کردن اسلام» می‌خواهد معانی قرآن و سنت را که بر آن اجماع است، ترک کرده و فهمی جدید و مغایر با فهم سلف ارائه کند. برای مثال، از کلمه «جَبَّ» در آیه ۳۱ سوره نور چنین می‌فهمد که لباس شرعی زن، تنها پوشاندن آلت، سینه و زیر بغل است و این حد پایین حجاب شرعی است (شحرور، ۲۰۰۰: ۳۶۳). در واقع؛ شحرور قرآن را همانند یک متن مستقل از فضای نزول، در نظر گرفته است که هر کس باید تلاش کند خودش آن را فهم کند؛ در حالی که قرآن چنین متنی نیست.

ناقدان «الکتاب و القرآن»، فرایند تاریخی تفسیر و تأویل، ترک اجماع جمعی و محور دانستن خواننده قرآن در ایجاد معنای متن، استخراج معنای نسبی از متن، پذیرش منابع مادی و علوم طبیعی در تفسیر قرآن، عدم توجه به سنت پیامبر (ص) در تفسیر را از نشانه‌های تفسیر به رأی و انحرافی بودن این اثر دانسته‌اند. (رک: کریسمان، ۲۰۰۵: ۲۸-۲۷، ۶۲-۵۶؛ جویجانی، ۱۹۹۳: ۱۱۲؛ ابوخلیل، ۱۴۱۱: ۵-۶؛ عبدوش، ۲۰۱۷: ۸۶؛ توبه، ۱۴۳۴: ۸۳-۸۰؛ مدیفر، ۱۴۲۳: ۳۷-۲۷؛ زنجیر، ۱۴۲۲: ۳۳۳؛ منجد، ۱۴۳۱: ۸۲-۸۰؛ معراوی، ۲۰۰۰: ۱۷؛ رفعت، ۱۳۹۶: ۱۱۲-۱۱۰)

۳. نقد و تحلیل پیش‌فرضهای تجددمآبی شحرور

تحصیلات در رشته مهندسی و برخورداری شحرور از ذهن ریاضی و هندسی، وی را قادر به استنباط، دسته‌بندی و انتظام بدیع از مفاهیم قرآنی و ساخت مکتب فکری خاصی کرده است؛ ولی از سوی دیگر، به سبب عدم آموزش کلاسیک و تخصصی در حوزه علوم اسلامی، نظریاتی را مطرح کرده که مغایر با دیدگاه اغلب مفسران است. به همین سبب، از سوی منتقدان متهم به تأثیرپذیری از دیدگاه‌های فرقه‌ای باطنیه، معتزله، اخوان‌الصفاء و صوفیه و مکاتب مادی‌گرای قرن نوزدهم و بیستم، همچون: مارکسیسم، داروینیسم، فرویدیسم، لیبرالیسم و... شده و اثر وی را التقاطی می‌دانند. برای مثال، اینکه شحرور نقش رسول (ص) را در برابر «أُمُّ الْکِتَاب» همچون یک مجتهد می‌داند و عملکرد او را به عنوان الگو لحاظ می‌کند، برگرفته از تفکرات حکومتی و شرایط آن از نظر مارکس است؛ یا اینکه تفسیر هر عصری باید بازتاب واقعیت آن عصر و نسل باشد، بیانگر تأثیر او از مارکسیسم است (رک: عک، ۱۹۹۴: ۶۷ و ۸۰-۸۴؛ حلاق، ۱۳۸۶: ۳۴۵؛ کریسمان، ۲۰۰۵: ۶۲-۵۶؛ طباع، ۱۹۹۲: ۱۶ و ۱۷؛ عمران، ۱۹۹۵: ۱۲؛ لحام، ۲۰۱۲: ۷۲-۷۳؛ شدی، ۱۴۳۱: ۲۷۶؛ معراوی، ۲۰۰۰: ۵۳-۵۵؛ میدانی، ۱۹۹۷: ۲۰-۱۷، ۱۶۸-۱۵۲؛ شواف، ۱۹۹۳: ۲۹-۴۱)؛ یا درباره آیات حجاب: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ

مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (نور: ۳۱-۳۰) می‌گوید: «حرف من» را «بعضیه» و مراد از «غَضَّ بَصَر» را «غَضَّ بَعْض بَصَر» می‌داند و از آنجا که خداوند متعلق «غَضَّ بَصَر» را نسبت به مرد و زن ذکر نکرده است، نشان می‌دهد متعلق آن نسبت به مرد و زن یکی است و خداوند نخواستہ مخاطب خود را ناگزیر از انتخاب یک پوشش در تمام زمانها و مکانها کند که این دیدگاه مغایر با دیدگاه غالب است. (شحرور، ۲۰۰۰: ۳۶۱، ۳۸۱-۳۳۱)

عده‌ای از منتقدان، انگیزه شحرور از نگارش الكتاب و القرآن را توطئه‌ای شیطانی برای تضعیف دین و طرح دین جدید، تضعیف ایمان و جنگ نرم دانسته‌اند. (رک: بوطی، ۱۹۹۰: ۱۶، ۲۲۷-۲۲۹؛ طباع، ۱۹۹۲: ۱۳، ۳۴-۳۳؛ ظیان، ۱۴۱۲: ۱۴، عک، ۱۹۹۴: ۷۳۸-۷۲۸؛ صیداوی، ۱۹۹۳: ۲۳۷؛ معراوی، ۲۰۰۰: ۳۳-۳۵؛ میدانی، ۱۹۹۷: ۸؛ اللجنة العلمية بمرکز سلف للبحوث و الدراسات، ۱۴۳۹: ۱۴-۲؛ ابوخلیل، ۱۴۱۱: ۲۱-۲۰)

۴. نقد و تحلیل پیش‌فرضهای زبان‌شناسی شحرور

عدم آموزش کلاسیک و تخصصی شحرور در حوزه علوم اسلامی و روش خاص وی در استفاده از دستور زبان عربی، لغتنامه‌ها، درک ریشه لغات و رابطه بین لفظ و معنا و استناد به معانی شاذ، موجب قرائت خاصی از مفاهیم آیات قرآن و حمل معانی غریبی به الفاظ شده که کتب لغت و سیاق، نص آنها را برنمی‌تابد. به همین سبب، واکنش انتقادی اهل لغت و زبان را در پی داشته و متهم به خطاهای دستور زبانی، تأویل و تفسیر به رأی بر اثر جدایی افکندن میان لفظ و معنا و تحمیل مفروضات خویش بر متن شده است. برای مثال، مفهوم «أم الكتاب» و محتوای آن، که نهایت دو معنای آیات محکم و لوح محفوظ را تحمل می‌کند؛ یا اینکه او آیات قرآن را به سه بخش «محکم، متشابه، نه محکم و نه متشابه» تقسیم می‌کند، بدان سبب که در پرتو آن می‌تواند به تأویلهای غیر منضبط بپردازد؛ آنچنان که اعجاز و تحدی را به تمام آیات تعمیم نمی‌دهد و با این سخن، تعدادی از آیات، همچون آیات ارث، فاقد اعجاز به حساب می‌آیند. (رک: منجد، ۱۴۳۱: ۱۸۰-۱۷۸؛ میدانی، ۱۹۹۷: ۳۸-۳۵؛ معراوی، ۲۰۰۰: ۷۵۹؛ عمران، ۱۹۹۵: ۲۹۷؛ توبه، ۱۴۳۴: ۷۶-۷۴؛ محمد سالم، ۱۴۲۹: ۱۴۹؛ صیداوی، ۱۹۹۳: ۲۳۷؛ ظیان، ۱۴۱۲: ۲۴-۹؛ فطانی، ۱۴۳۹: ۲، ۹-۱۰)

شحرور با اتکا به قاعده عدم ترادف و استفاده از کتب لغت خاص، مثل معجم مقاییس اللغة ابن فارس، معنای جدیدی برای الفاظ، همچون اسلام، ایمان، کفر و... تعیین کرده است. در حالی که اولاً شحرور کوششی در اثبات قاعده عدم ترادف نکرده و تنها اشاره می‌کند که تحت تأثیر دوستش (جعفر دک‌الباب) آن را پذیرفته و به نام بردن قدما اکتفا کرده است؛ ثانیاً نظریه عدم ترادف هیچ‌گاه با دلایل محکم اثبات نشده و همواره جزء مسائل اختلافی مسلمانان بوده و ادله قائلان به ترادف قوی‌تر از کسانی است که به عدم

ترادف قائل‌اند؛ ثالثاً باید این اصطلاحات را در مصادر دین جستجو می‌کرد، نه صرفاً در کتب لغت. (رک: جویجانی، ۱۹۹۳: ۹۸-۹۷؛ رفعت، ۱۳۹۶: ۱۰۹؛ ابوزید، ۱۹۹۱: ۲۲-۱۸)

به طور کلی شحرور از طریق مخالفت با قواعد تفسیر و سرپیچی از قوانین زبان عربی، از روشهایی برای رسیدن به فهم خویش بهره برده است. برای مثال، درباره نقد کارکرد تعریف و تنکیر در روش زبانی شحرور، «سلیم الجابی» واژه معرفه «الکتاب» در آیه ۷ آل عمران را چنین نقد می‌کند که «ال» آن، عهد ذهنی است و به تورات و انجیل اشاره دارد و منطبق با سیاق است و شحرور با آنکه ضرورت تعلیل تعریف «الکتاب» را احساس کرده، اما در این باره خطا کرده است (جابی، ۱۹۹۲، ج ۱: ۲۸). یا آنچه شحرور درباره عطف مطرح می‌کند که درباره دو اسم صادق است، نه دو وصف؛ زیرا عطف متغایرها و عطف خاص بر عام، بین صفات رخ نمی‌دهد و صفات اصلاً متغایر هم نیستند. از سوی دیگر، تابعیت معطوف و معطوف‌علیه در اعراب، از قواعد ابتدایی ادبیات عرب است که به این امر در آیه ۱۸۵ سوره بقره توجه نکرده است. (جابی، ۱۹۹۲، ج ۱: ۹۶؛ منجد، ۱۴۳۱: ۵۶۸)

(د) نتیجه‌گیری

پیش‌فرضهای محمد شحرور در «الکتاب و القرآن»، در سه حوزه قرآن‌شناختی، تجددمآبی و زبان‌شناسی، بررسی و تحلیل و نقد شد. مهم‌ترین پیش‌فرضهای شحرور و نقدهای وارده بر او به شرح ذیل است:

۱. شحرور، قرآن را فهم‌پذیر، قرائت‌پذیر و آخرین کتاب می‌داند که باید آن را از طریق آشنایی‌زدایی از اصطلاحات قرآنی، فهم جدید و معاصر (نه سنتی) و روش تفسیر قرآن به قرآن باید تفسیر کرد.

۲. شحرور تحت تأثیر علوم جدید و دیدگاههای مکاتب مادی‌گرای مارکسیسم، داروینیسم، فرویدیسم و لیبرالیسم و با تکیه بر نظریات شاذ زبانی و معانی غریب واژگان، همچون عدم ترادف الفاظ، رابطه همنشینی و جانشینی واژگان در کلام، عطف نسق در تفکیک معطوفها، استعمال تعریف و تنکیر واژگان، کارکرد ادات، تخصیص و تعمیم خطابهای قرآن، فهم نامأنوسی از آیات قرآن داشته و تبیین و تفسیر نامأنوس‌تر ارائه می‌دهد.

۳. شحرور قائل است که با تکیه بر عقل باید فهم جدید و معاصری از قرآن داشت. اگرچه این باور به سبب جدا انگاشتن عقل و نقل قابل نقد است.

پیش‌فرضهای محمد شحرور در «الكتاب و القرآن»... ♦ ۵۱

۴. از منظر نقد، شحرور در دام تفسیر به رأی افتاده است که از نشانه‌های آن، ترک اجماع جمعی و محور دانستن خواننده قرآن، استخراج معنای نسبی از متن، پذیرش مطلق منابع مادی و علوم طبیعی در تفسیر قرآن و عدم توجه به سنت پیامبر(ص) در تفسیر است.

منابع

- ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق). *البحر المحيط فی التفسیر*. بیروت: دارالفکر.
- ابوخلیل، شوقی (۱۴۱۱ ق). *قراءة علمیه للقراءات المعاصره*. دمشق: دارالفکر.
- ابوزید، نصر حامد (۱۹۹۱ م). «لماذا طفت التلخیص علی کثیر من مشروعات تجدید الإسلام». *الهلال* (القاهره)، العدد ۱۰.
- ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۹). *معنای متن*. ترجمه مرتضی کریمی نیا و مصطفی ملکیان. تهران: طرح نو.
- احمدی، بابک (۱۳۸۸). *از نشانه‌های تصویری تا متن*. تهران: نشر مرکز، چ هشتم.
- ارکون، محمد (۱۳۹۲). «روشهای انتقادی معاصر و قرآن». *دائرة المعارف قرآن*. جین دمن و مک اولیف. تهران: حکمت.
- بوطی، محمد سعید رمضان (۱۹۹۰ م). «الخلیفه الیهودیه لشعار قراءة المعاصره». *نهج الإسلام*، العدد ۴۲.
- توبه، غازی (۱۴۳۴ ق). *رؤی و آراء معاصره دراسه نقدیه*. ریاض: مرکز البحوث و الدراسات البیان.
- جابی، سلیم (۱۹۹۲ م). *القراءه المعاصره للدكتور محمد شحرور: مجرد تنجیم - کذب المنجمون و لو صدقوا*. جلد اول. دمشق: المکتبه القومیه الثقافیه.
- جویجانی، مأمون (۱۹۹۳ م). *الأسس الخاسره للقراءه المعاصره*. قبرس: الجفان و الجابی للطباعه و النشر.
- جیلانی، مفتاح (۱۴۲۷ ق). *الحدائیون العرب فی العقود الثلاثه الأخیره و القرآن الکریم دراسه نقدیه*. دمشق: دار النهضه.
- حسینی قائم مقامی، عباس (۱۳۸۲). «ضابطه‌های نواندیشی دینی». *کتاب نقد*، ش ۲۶-۲۷.
- حلق، وائل (۱۳۸۶). *تاریخ تئوری‌های حقوقی اسلامی*. ترجمه محمد راسخ. تهران: نی.
- خلیفی، عبدالحق محاضر (۲۰۱۵). «وقفات لغویه عند محمد شحرور». *مجله الحقیقه* (الجزائر)، العدد ۳۵.
- رفعت، محسن و انیسه عسگری (۱۳۹۶). «تحلیل انتقادی دیدگاه محمد شحرور در خصوص اعجاز و تحدی قرآن». *مطالعات اندیشه معاصر مسلمین*، سال سوم، ش ۶.
- زنجیر، محمد رفعت (۱۴۲۲ ق). «شبهات معاصره: حول المصادر الأساسیه للتشریح الإسلامیه». *الحکمه*، العدد ۲۳.
- شحرور، محمد (۲۰۱۴ م). *الدین و السلطه قراءه معاصره للحاکمیه*. بیروت: دارالساقی.
- شحرور، محمد (۲۰۱۲ م). *السنة الرسوله و السنة النبویه*. بیروت: دارالساقی.

پیش‌فرضهای محمد شحرور در «الكتاب و القرآن» ... ۵۳

- شحرور، محمد (۲۰۱۰ م). **القَصَصُ القرآني قراءه معاصره - مدخل إلى القصص و قصه آدم**. بيروت: دارالساقی.
- شحرور، محمد (۲۰۱۷ م). **الكتاب و القرآن رويه جديده**. بيروت: دارالساقی، الطبعة الرابعة.
- شحرور، محمد (۱۹۹۰ م). **الكتاب و القرآن قراءه معاصره**. دمشق: الأهالي.
- شحرور، محمد (۲۰۰۰ م). **نحو أصول جديده للفقہ الإسلامی فقہ المرأه**. دمشق: الأهالي.
- شدي، عادل بن علي (۱۴۳۱ ق). **الإتجاهات المنحرفه في التفسير في العصر الحديث**. رياض: مدار الوطن للنشر.
- شواف، محامي منير محمد طاهر (۱۹۹۳ م). **تهافت القراءه المعاصره**. قبرس: الشواف للنشر و الدراسات.
- صيداوي، يوسف (۱۹۹۳ م). **بيضة الديك؛ نقد لغوي للكتاب الكتاب و القرآن**، دمشق: المطبعة التعاونية.
- طباع، محمد سعيد (۱۹۹۲ م). **رساله ورد - إلى ذلك الرجل**. دمشق: بي.نا.
- ظبيان، نشأه (۱۴۱۲ ق). **ذاك رد؟! عن قراءه معاصره للكتاب و القرآن**. دمشق: دار قتيبه.
- عبدوش، العباس و فتيحه بوسيه (۲۰۱۷ م). **السفسطه المعاصره في كتاب السنه الرسولي و السنه النبويه لمحمد شحرور**. الخطاب، العدد ۲۵.
- عكّ، خالد عبدالرحمن (۱۹۹۴ م). **الفرقان و القرآن**. دمشق: دارالحكمه للطباعة و النشر و التوزيع.
- عمران، احمد (۱۹۹۵ م). **القراءه المعاصره للقرآن في الميزان**. بيروت: دارالفنائس.
- فريق مركز الحضاره لتنمية الفكر الإسلامی (۲۰۱۷ م). **قراءات معاصره في النص القرآني**. بيروت: مركز الحضاره لتنمية الفكر الإسلامی، الطبعة الثاني.
- فطاني، فوزين عبدالصمد (۱۴۳۹ ق). **«شحرور مُفسدًا لا مُفسرًا»**. بمركز سلف للبحوث و الدراسات، أوراق علميه، العدد ۶۳.
- قاسم، هاشم (۲۰۱۰). **«مقابله مع صادق جلال العظم»**. المستقبل العربي: كانون الثاني، العدد ۳۷۱.
- اللجنة العلميه بمركز سلف للبحوث و الدراسات (۱۴۳۹ ق). **«الظاهرة الشحورية في التاريخ و المنطلقات و المآلات»**. بمركز سلف للبحوث و الدراسات، أوراق علميه، العدد ۵۶.
- محمد سالم، سعد الله (۱۴۲۹ ق). **ماوراء النص: دراسات في النقد المعرفي المعاصر**. اردن: جدار للكتاب العالمي - عالم الكتب الحديث.
- محمد سعد، محمود توفيق (۱۴۱۶ ق). **تقييب الإسلام الحق: دحضُ افتراءات دَعاہ التنوير على القرآن الكريم**. قاهره: مكتبه وهبه.

- مدیفر، ابراهیم عبدالله صالح (۱۴۲۳ ق). **شریعه الهدم فی کتاب الکتاب و القرآن**. دمشق: دارالایمان.
- معراوی، محمد صیاح (۲۰۰۰ م). **المازکسلاویه و القرآن**. دمشق: المکتب الإسلامی.
- منجد، محمد صالح (۱۴۳۱ ق). **یدعه اعاده فهم النص**. جدّه: مجموعه زاد.
- میدانی، عبدالرحمن حسن حبنکه (۱۹۹۷ م). **التحریر المعاصر فی الدین**. دمشق: دارالقلم.
- نبی احمدی، محمد (۱۴۰۰). «بررسی زبان شناختی آیات ارث از نگاه محمد شحرور». *ادب عربی، سال سیزدهم، ش ۱*.
- نوح، علی (۱۹۹۴ م). «**الکتاب و القرآن مؤلفه: محمد شحرور قراءه علمیّه / عصریه أم ماضویه**». *الفکر العربی، العدد ۷۸*.
- یافی، نعیم (۱۹۹۶ م). «**کتاب و القراءات: دراسات إسلامیه معاصره فی الدوله و المجتمع**». *المستقبل العربی، العدد ۲۱۰*.
- Christmann, Andreas (2004). "The form is permanent, but the content moves: the Quranic text and its interpretation(s) in Mohamad Shahrour's al-kitab wal-Quran". In *Modern Muslim Intellectuals and the Quran*. Suha Taji-Farouki. London: Oxford University Press.
- Christmann, Andreas (2005). "73 Proofs of Dilettantism: The Construction of Norm and Deviancy in the Responses to Mohamad Shahrour's Book al-kitab wal-Quran: qiraa muasira". *Die Welt des Islams*, Vol. 45, Issue 1.
- Clark, Peter (1997). "The Shahrur Phenomenon: A Liberal Islamic Voice from Syria". *Dossier Articles North America Syria Fundamentalisms*, Dossier 17.
- Eickelmann, Dale F. (1993). "Islamic Liberalism Strikes Back". *Review of Middle East Studies*, Vol. 27, Issue 2.
- Khoir, Miftakul (2014). **The Opinion of Muhammad Syahrur about Verse of Aurat and Jilbab Alquran Surah An-Nur 31 and Al-Ahzab 59**. Bachelor Thesis. Adviser: Mutamakkin Billa Lc. M. Ag, Tafsir Hadith Department Faculty of Ushuluddin Philosophy State Islamic University of Sunan Ampel Surabaya.
- Khusen, Moh. (2010). "From Sharia Ayniyya to Sharia Hududiyya: shahrour's interpretation on Quranic legal verses". *Al-Jamiah*, Vol.50, No.2.
- Lahham, Karim (2012). **Muhammad Shahrur's "Cargo Cult" A meditation on his underlying conceptual framework**. Abu Dhabi: Tabah Foundation.
- Rainer, Nabelck (2000). "Muhammad Shahrur cin 'Martin Luther' des Islam". *inam.o*, no: 23-24.
- Abdosh, Al-Abbas & Fatiha Bousieh (2017). "Contemporary sophistry in the book of Prophetic Sunnah and Sunnah of the Prophet by Muhammad Shahrour". *Al-Khattab*, No. 25.
- Abu Hayyan, Muhammad bin Yusuf (1999). **Al-Bahr al-Muhait fi al-Tafseer**. Beirut: Dar al-Fikr.

- Abu Khalil, Shoghi (1990). **Islamic readings for contemporary readings**. Damascus: Dar al-Fikr.
- Abu Zaid, Nasr Hamid (2010). **The meaning of the text**. Translator: Morteza Kariminia and Mostafa Malekian. Tehran: tarhe no Pub.
- Abu Zaid, Nasr Hamid (1991). "**Why Taft al-Talfiqiyyah Ali Kathir Man Legitimacy of Renewal of Islam**". *Al-Hilal* (Al-Cairo), No. 10.
- Ack, Khaled Abdurrahman (1994). **Al-Furqan and Al-Qur'an**. Damascus: Dar al-Hikma for publishing and publishing.
- Ahmadi, Babak (2009). **From visual signs to text**. 8th edition, Tehran: Nashr-e-Karzan.
- Al-Jana Al-Alamiya Center of Salaf for Research and Studies (2018). "**Al-Dhahirah al-Shahruriyyah fi al-Tarikh and Al-Muntaliqat and Al-Malaat**". *Salaf Center for Research and Studies, Scientific Papers*, No. 56.
- Bouti, Mohammad Saeed Ramadan (1990). "**Al-Khalifah Al-Yawdiyya for the slogan of modern reading**". *Nahj al-Islam*, No. 42.
- Erkun, Mohammad (2013). "**Contemporary critical methods and the Qur'an**". *Encyclopedia of the Qur'an*. Jane Daman & McAuliffe. Tehran: Hikmat.
- Fariq Center Al-Hadarah Latnamiyah Al-Fikr al-Islami (2017). **Contemporary readings in the Qur'anic text, second edition**. Beirut: Al-Hadarah Center for Islamic Thought.
- Fatani, Fozban Abdul Samad (2018). "**Shahrur Mofsedah La Mofassirah**". *Salaf Center for Research and Studies, Scientific Papers*, No. 63.
- Hosseini Qaim Maggi, Abbas (2003). "**Regulations of New Religious Thought**". *Book Review Quarterly*, No. 26-27.
- Hallaq, Wael (2007). **History of Islamic Legal Theories**. Translator: Mohammad Rasakh. Tehran: Nei Publishing.
- Imran, Ahmad. (1995). **Modern reading of the Qur'an in Al-Mizan**. Beirut: Dar al-Nafis.
- Jabi, Salim (1992). **Al-Qiraa moderna by Dr. Mohammad Shahrour: Majdrat Tanjim - Qazb al-Manjmun and Lusadqwa**, Vol. 1. Damascus: Al-Maktabeh al-Qoumiyyah al-Thaqfiyyah.
- Joyjani, Mamoun (1993). **Al-Khaserah Al-Khasara sources for contemporary reading**. Cyprus: Al-Jaffan and Al-Jaabi for printing and publishing.
- Jilani, Miftah (2006). **Al-Hahadadiyoon al-Arab fi al-Aqud 3-Akhira and Al-Qur'an Al-Karim Drasa Naqdiyyeh**. Damascus: Dar al-Nahda.
- Khalifi, Abdulhaq mahazer. (2015). "**Waqfat al-Haqiyeh by Muhammad Shahrour**". *Al-Haqiqah magazine* (Algiers), issue 35.
- Mohammad Saad, Mahmoud Tawfiq. (1995). **Absence of Islam al-Haq: Denying the slanders of Da'a al-Tanvir al-Qur'an al-Karim**. Cairo: Maktaba Wahbah.
- Mohammad Salem, Saadullah (2008). **Beyond the Text: Studies in Al-Samaat al-Marifi al-Mawdah**. Jordan: Jadar Lalkitab al-Alami-Alam al-Katab al-Hadith.

- Madifar, Ibrahim Abdullah Saleh (2002). **Sharia al-Hadam fi Kitab al-Kitab wa Al-Qur'an**. Damascus: Dar al-Alayman.
- Ma'arawi, Mohammad Sayah (2000). **Al-Marksalamiyyah and the Qur'an**. Damascus: Al-Maktab al-Islami.
- Monjad, Mohammad Saleh (2010). **The idea of restoring the understanding of the text**. Jeddah: Zad collection.
- Maidani, Abdurrahman Hasan Habanke (1997). **Al-Tahreef Al-Mawdeen Fay al-Din**. Damascus: Dar al-Qalam.
- Noah, Ali (1994). "Al-Kitab and Al-Qur'an, Composer: Muhammad Shahrour, Islamic Reading/ Asriyyah Umm Madowieh". *Al-Fikr Al-Arabi*, No. 78.
- Qasim, Hashem (2010). "Confrontation with Sadiq Jalal al-Azm". *Al-Mustaqbal Al-Arabi: Kanun Al-Thani*, No. 371.
- Tobeh, Ghazi. (2013). **Contemporary visions and opinions of Drase Naqdiyeh**. Riyadh: Al-Bayan Center for Research and Studies.
- Rafat, Mohsen & Anisa Asgari (2017). "Critical analysis of Mohammad Shahrour's point of view regarding the miracle and challenge of the Quran". *Two scientific-research quarterly studies of contemporary Muslim thought*, third year, No. 6.
- Shahrour, Mohammad (2014). **Al-Din wa al-Sulta, contemporary reading of Hakamiyah**. Beirut: Dar al-Saqi.
- Shahrour, Mohammad (2012). **Sunnah al-Rasuliyyah and Sunnah al-Nabawiyyah**. Beirut: Dar al-Saqi.
- Shahrour, Mohammad (2010). **Al-Qasas of the Qur'an, a contemporary reading - Introduction to Al-Qasas and the Tale of Adam**. Beirut: Dar al-Saqi.
- Shahrour, Mohammad (2017). **Al-Kitab wa Al-Qur'an Ruyeh Jadideh**, 4th edition, Beirut: Dar al-Saqi.
- Shahrour, Mohammad (1990). **Al-Kitab and Al-Qur'an, contemporary reading**. Damascus: Al-Ahly.
- Shahrour, Mohammad (2000). **Syntax of new principles of Islamic jurisprudence, fiqh al-marah**. Damascus: Al-Ahali.
- Shedi, Adel bin Ali. (2010). **Al-Itjahat al-Manharfa fi al-Tafseer fi al-Asr al-Hadith**. Riyadh: Madar al-Watan publishing house.
- Shawaf, mahami Mounir Mohammad Taher. (1993). **Tahafot of modern reading**. Cyprus: Al-Shawaf for publishing and studies.
- Siddavi, Yusuf (1993). **Baida al-Dik - Lexical criticism of Al-Kitab and Al-Qur'an**. Damascus: Al-Matabah Al-Taawuniyah.
- Tabbaa, Mohammad Saeed. (1992). **Treatise and Rebuttal - Eli Zalq al-Jarle**. Damascus: Bi-Na.
- Yafi, Naeem (1996). "Books and Readings: Contemporary Islamic Studies in Al-Dawlah and Society". *Al-Mustaqbal Al-Arabi*, No. 210.
- Zabian, Nasha (1991). **Zack rejected?! On the contemporary reading of the book and the Qur'an**. Damascus: Dar Qutiba.
- Zanjir, Mohammad Rafat (2001). "Contemporary Doubts: About the Basic Sources of Islamic Legislation". *Al-Hikma*, No. 23.